

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد محترم: به بنده پیشنهاد شده ده روز اول محرم در خصوص کربلا در جلسه ای با حضور خانم های خانه دار که بعضا ده نکته و بحث های دیگر شما را هم کار نکرده اند صحبت کنم. به نظر شما روی کدام وجه کربلا کار شود در عین اینکه مباحث شما مطرح شود ولی برای خانم ها قابل فهم باشد؟ منابعی مناسب این کار معرفی نمایی؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی در رابطه با حضرت زینب «سلام الله علیها» داشته ام. فکر می کنم بتواند مفید باشد. کتاب «آفتاب در حجاب» جناب آقای شجاعی نکاتی دارد. از یادداشت هایی که در بایگانی خود داشتم، خدمتتان ارسال می دارم. موفق باشید

فاطمه صغرا می گوید: من بر در خیمه ایستاده بودم و به پدرم و اصحاب او نگاه می کردم که با بدنهای بسر نظیر قربانیها بر روی رمل افتاده اند و اسبان بر فراز اجسادشان جولان می زدند. من با خودم فکر می کردم که آیا بعد از پدرم از دست بنی امیه چه بر سر ما خواهد آمد؟! آیا ما را بقتل می رسانند، یا اسیر می کنند؟

ناگاه دیدم مردمی که بر اسب خود سوار است زنان را با کعب نیزه خود می راند و آن زنان به يك دیگر پناهنده می شدند. کلیه چادر و دستبند زنان را ربوده بودند. آن زنان فریاد می زدند: وا جداه، وا ابتاه، وا علیا، وا قلة ناصراه، وا حسناه!! آیا فریادرسی نیست که بفریاد ما برسد، آیا کسی نیست که از ما دفاع نماید؟! قلب من از این منظره دلخراش دچار خفقان شد و اعضايم بلرزه افتادند. لذا از خوف اینکه مبادا آن مرد نزد من بیاید از طرف راست و چپ خود را به عمهام ام کلثوم می رساندم.

من در همین حال بودم که ناگاه دیدم آن مرد متوجه من گردید. من از او فرار کردم - گمان می کردم که از دست او سالم خواهم بود. ناگاه دیدم وی مرا دنبال کرد و من از خوف او از خود بیخود شدم، ناگاه دیدم کعب نیزه در میان کتف من قرار گرفته است! من بصورت بروی زمین سقوط کردم و او گوشم را پاره کرد و گوشواره و مقنعه مرا غارت کرد و خون ها همچنان بصورت و سر من فرو می ریختند و آفتاب سرم را می گداخت.

سپس آن مرد بسوی خیمهها برگشت و من همچنان غش کرده بودم.

ناگاه دیدم عمهام نزد من آمد و در حالی که گریه می کند می گوید برخیز تا برویم، من نمی دانم بر سر دختران و برادر علیل تو چه آمده است، من برخاستم و گفتم:

ای عمه؟ آیا پارچه‌های هست که من سر خود را از نظر بینندگان بوسیله آن بپوشانم؟ فرمود: دختر جان! عمهات مثل تو می باشد! من نگاه کردم و سر او را نیز باز دیدم، پشت او بوسیله ضربه سیاه شده بود.

نگاهی به حضرت زینب(س)

عبدالمجید معادیخواه

عاشورا محملی است برای آنکه نیروهای بی حد و حصر درونی زینب(س) آزاد شود؛ از همین روست که حادثه‌ای می‌آفریند که هر صحنه‌ای از آن نیاز به کتابها بحث و بررسی دارد و الهام بخش خلق تابلوهای بی نظیر هنری است.

سخن در اهمیت تاریخ‌نگاری آنقدر موضوع نخ‌نمایی شده است که دیگر حتی در کتابهای درسی هم از این موضوع گفتاری نمی‌رود. اما با این حال نمی‌دانم از چه روست که متولیان امر و پژوهندگان تاریخ برای خروج از وضعیت اسفبار فعلی در مورد تاریخ تلاشی نمی‌کنند.

این مسأله، که موضوع جدیدی نیست، در دوره‌های پیشین نیز وجود داشته است و در گاهی موارد آنقدر وضعیت نگران کننده است که ما حتی از چند نسل پیشتر از خود هم نگارشی از زاویه نگاه "تاریخ اسلام" نداریم.

اما اگر بخواهیم به زندگانی حضرت زینب(س) از منظر تاریخ‌نگاهی بیندازیم، مطمئناً باید به سراغ بیت زهرا(س) برویم. می‌خواهم در اینجا ادعایی را مطرح کنم که شاید برای بسیاری از مخاطبان به نوعی تازه و عجیب بنمایاند.

اگر بتوان رسالت پیامبر اکرم(ص) را به دو وظیفه مهم و اساسی تقسیم کرد، حتماً وظیفه اول ایجاد جامعه و فرهنگ جدید است.

از آنجا که انجام این مهم، بخش اعظم آن به عهده خود جامعه هدف است، اگر کم‌کاری و کوتاهی در انجام آن باشد، از سوی مردم است؛ وگرنه پیامبر(ص) رسالت خود را به خوبی انجام داده است.

اما وظیفه دوم در نگاه اول چندان مهم و با ارزش به نظر نمی‌آید، درحالی که شاید هم‌تراز با آن باشد. ایجاد خانواده نمونه که کفه دوم این ترازوست، به نظر من ارزش و اهمیت آن، هم‌وزن با کفه نخست است.

چرا که آثار جامعه سالم، نمونه و اخلاقمند، با نبود ولی خدا به مرور رو به اضمحلال می‌گذارد. اما اگر خانواده نمونه باشد، می‌تواند جامعه را به سمت جامعه نمونه رهنمون کند.

پیامبر اکرم(ص) خانواده‌ای تحویل جامعه اسلامی داد که از هر نظر بهترین است. خانواده‌ای که در آن علی(ع) و فاطمه(س) پس از نبی اکرم(ص) دو رکن اساسی و مهم آن هستند، بسیار واضح است که تک تک اعضای آن از اثرگذارترین افراد تاریخ خواهند شد.

از آنجا که ایجاد خانواده نمونه کاملاً در اختیار رسول الله بوده است، این وظیفه به خوبی انجام شد و شاید برکات و ثمرات این نقش دوم پیامبر، ایجاد جامعه و فرهنگ جدید را به سرنوشت خود رسانده است.

ولی باید دید پیامبر(ص) چه عملی انجام داد که سبب شد تا خانواده‌ای نمونه را برای همه تاریخ به همگان معرفی کند؟ به نظر من خداوند در درون همه انسانها نیروهای شگفت و حیرت انگیزی نهاده که با آزاد شدن آنها بسیاری از ناممکن‌ها، ممکن می‌شود.

پیامبر(ص) مهمترین کاری که کرد، آزاد کردن همین نیروهای شگفت انگیز است. حتی آن رستگاری و فلاحی که قرآن از آن یاد کرده، در نتیجه آزاد شدن همین نیروهای حیرت انگیز درونی است.

عاشورا محملی است برای آنکه نیروهای بی‌حد و حصر درونی زینب(س) آزاد شود؛ از همین روست که حادثه‌ای می‌آفریند که هر صحنه‌ای از آن نیاز به کتابها بحث و بررسی دارد و الهام بخش خلق تابلوهای بی‌نظیر هنری است.

زینب(س) بار سنگین این حادثه را به دوش می‌کشد. مهمترین وظیفه‌اش رساندن پیام عاشورا به گوش تمام جهانیان است. او به خوبی از عهده وظیفه پیام‌رسانی اش برمی‌آید.

او قهرمان این عرصه است. اما این انسان بی‌نظیر تاریخ را نباید صرفاً فردی که در روز عاشورا به ناگاه زینب شد، پنداشت. مطمئناً پرورش او عقبه و متأخره‌ای دارد که سبب می‌شود زینب، زینب(س) شود. او ثمره همان خانواده نمونه است که برای خلق حادثه‌ای عظیم چون عاشورا تربیت شده است.

روز عاشورا رزمندگان سپاه امام حسین(ع) یک به یک به میدان نبرد رفته‌اند تا نوبت به خود اباعبدالله(ع) می‌رسد؛ تا این زمان مدیریت جریان با اباعبدالله است.

ایشان هنگام آماده شدن برای حضور در میدان از خواهر بزرگوارشان می‌خواهند تا از این پس مدیریت خانواده، اهل بیت و وقایع پس از آن را به عهده بگیرد.

نخستین آزمایش مدیریتی زینب در همین جا همین لحظه شکل می‌گیرد. حضرت از خواهرشان می‌خواهند تا در زمان جهاد، اجازه ندهند احدی از زنان کاروان کربلا از خیمه‌ها بیرون بیاید.

زینب این وظیفه را به بهترین وجه انجام می‌دهد؛ تنها برای ثانیه‌هایی رقیه، دختر کوچک امام حسین به دلیل عشق و علاقه وافری که به پدر دارد، از خیمه خارج می‌شود؛ ولی پس از زمان کوتاهی به نزد عمه برمی‌گردد؛ آن‌هم به حالت عذرخواهی.

نمی‌دانم نام آن را چه می‌توان نهاد؟ من به آن معجزه می‌گویم. زنان اهل بیت (ع) امام و پیشوای خود را در میدان نبردی سخت درمی‌یابند؛ ولی باید در خیمه‌ها باقی بمانند.

تنها زینب است که می‌تواند این شور عظیم و غیرقابل مهار را تا زمانی که ذوالجناح از میدان بازمی‌گردد، مدیریت کند؛ پس از این بسیاری وقایع بر خاندان امام جاری می‌شود که در تمام آنها زینب به تنهایی مرجع حل و فصل مسائل کاروان و زنان اهل بیت است.

گویا در منابع تاریخی ما تنها یک مورد را آورده‌اند که ایشان از امام سجاد (ع) استمداد می‌طلبند؛ آن، وقتی است که دشمن خیمه‌ها را به آتش کشانده و حضرت زینب دچار استیصال شده‌اند.

امر بر ایشان دایر است میان بیرون رفتن از خیمه (که برابر است با مواجهه با حمله‌های ددمنشانه لشکریان کوفه به زنان و کودکان) و ماندن در خیمه‌ها و سوختن در آتش سوزان چادرها.

پس از رتق و فتق امور حادثه عاشورا نوبت به مجالس کوفه و شام (دمشق) و دربارهای عبیدالله و یزید می‌رسد. آیا کسی غیر از زینب کبری (س) می‌تواند چنین خطابه‌هایی آتشین در رد خلافت خلفای جور و تأیید اهل بیت (ع) بگوید؟

سخن در عبرت از عاشورا فراوان است؛ هر صحنه‌ای از آن سرشار از درسهاست. برای مخاطبان پیام‌رسان کربلا، زینب کبری (س).

تنها یک صحنه از آن (همین مدیریت زینب (س) در مورد بازماندگان واقع) نمادی است از حقانیت شیعه در احترام به حقوق زن؛ این وظیفه ماست تا با واشکافی تاریخی واقعه، مخاطبان را با مباحثی غیر از عزا بر خاندان اهل بیت آشنا کنیم.